



یادآوری رنج‌های اولیای الهی در مقام تسلی سوگوار: با نگاهی ویژه به مصائب حسین بن علی علیه‌السلام

سجاد خاکی صدیق^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۵

چکیده

روان‌درمانگران و محققان معتقدند که بسیاری از افراد در دوره سوگ، زمانی که شخصی با از دست دادن عزیز خود احساسات و شرایط جدیدی را تجربه می‌کند، پنج مرحله روانی را از سر می‌گذارند. یکی از آن پنج مرحله را «خشم» نامیده‌اند. در این مرحله فرد سوگوار خشمگینانه به دنبال پاسخ پرسش‌هایی است که پس از فقدان عزیزش برای او به وجود آمده‌اند. او که خود را مستحق چنین رنجی نمی‌بیند، از خود و دیگران می‌پرسد چرا خداوند عزیزش را از او گرفته است؟ چرا زندگی را به کام او تلخ می‌کند؟ حالت روانی‌ای که فرد در مرحله خشم تجربه می‌کند و پرسش‌هایی که به تبع این شرایط برای او مطرح می‌شوند رابطه او با خداوند را دچار چالش می‌کند. این وضعیت از نظر فیلسوفان دین نیز دور نمانده است. طبق یک تقسیم‌بندی کلاسیک، فیلسوفان دین مسئله شر را در دو ساحت بررسی می‌کنند: نظری و وجودی. پرسش‌های فرد سوگوار و رنجی که به زعم او در قالب شری گزاف بر او رخ می‌نماید در ساحت وجودی شر مطرح می‌شود. حالاتی که در این ساحت تجربه می‌شود شک یا عدم باور به وجود خدا در فرد را تقویت می‌کند. بعضی از فلاسفه نظیر آلون پلانیتینگا معتقدند که بحث‌های فلسفی در ساحت وجودی شر نتیجه‌بخش نیست، بلکه به طور عملی باید مراقبت‌هایی معنوی صورت پذیرد. در همین راستا بحث‌های دامنه‌داری به نام الهیات شبانی در مسیحیت وجود دارد. به نظر می‌رسد که یادآوری رنج‌ها و مصیبت‌هایی که اولیای الهی متحمل شده‌اند به جهت‌دهی نگرش فرد سوگوار کمک می‌کند. به بیان دیگر او با تأمل در این یادآوری‌ها می‌تواند معنایی برای سوگ خود بیابد و خاطرش کمی تسلی یابد. مصائب و رنج‌های حسین بن علی علیه‌السلام در ماجرای عاشورا را می‌توان بدین منظور یادآوری کرد. به نظر می‌رسد که در روایات و سنت عملی شیعیان مؤیداتی برای این نگاه به ماجرای عاشورا وجود دارد.

کلیدواژه‌ها

الهیات عملی، مسئله وجودی شر، رنج، عاشورا، پژوهی

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فلسفه دین، دانشگاه تهران (پردیس فارابی)، قم، ایران.

(sajjad.sedigh@gmail.com)



Remembrance of the Sufferings of the Saints as a Consolation for the Mourner: A Special Glance on Hussein Ibn Ali's (A. S.) Sufferings

Sajad Khaki Sedigh¹

Reception Date: 2022/02/24

Acceptance Date: 2022/05/05

Abstract

According to psychologists and researchers, many people go through five psychological stages when they experience new feelings and conditions after losing a loved one. Among those five stages is "anger." At this stage, the mourner angrily tries to find the answers to questions that have arisen for him after losing his loved one. Since he doesn't view himself as deserving of such suffering, he asks himself and others why God took his beloved from him? Why did He make life bitter for him? And so on. In the stage of anger, a person's mental state and the questions that are raised from it challenge his relationship with God. Philosophers of religion have also addressed this problem. According to a classical division, philosophers of religion study the problem of evil in two areas: theoretical and existential. Mourners' questions and their suffering –which appeared as an exaggerated evil– are related to the existential problem of evil. In this area, individuals are faced with situations that reinforce their doubt or disbelief in the existence of God. Philosophers such as Alvin Plantinga argue that philosophical debates about the existential realm of evil are not fruitful, but that spiritual care should be practiced instead. It is in this context that pastoral theology in Christianity is a widely debated topic. It seems that remembrance of the sufferings and calamities that happened in the lives of divine saints can guide the mourner's attitude. In other words, by reflecting on these recollections, he can find meaning for their mourning and get over their grief more easily. The sufferings of Hussein ibn Ali (as) in the story of Ashura can be recalled for this purpose. In Shia practice, there seems to be evidence for this view of Ashura.

Keywords

Practical Theology, Existential Problem of Evil, Suffering, Study of Ashura

1. M.A. Graduate in Philosophy of Religion, University of Tehran (Farabi Campus),
Qom, Iran. (sajjad.sedigh@gmail.com)

۱. مقدمه

بسیاری از افراد زمانی که در شرف فقدان چیز ارزشمندی قرار می‌گیرند، یا آن را از دست داده‌اند، حالات روانی خاصی را تجربه می‌کنند. از دست دادن توانایی‌های جسمانی، مانند فلج شدن و نابینا شدن، اطمینان از این که ابتلا به بیماری‌ای خاص دیگر فرصت چندانی برای زندگی کردن باقی نمی‌گذارد، یا ملموس‌ترین تجربه برای بسیاری از انسان‌ها یعنی مرگ عزیزانشان، نمونه‌هایی از فقدان چیزی ارزشمند در زندگی هستند که منجر به تجربه دوره سوگ در بسیاری از افراد می‌شود.

روان‌پزشکان و محققان برای سوگ مراحل مختلفی در نظر گرفته‌اند. اکثر این مراحل شبیه مرحله‌ای است که الیزابت کولبر-راس^۱ ارائه کرده است (ایمانی‌نسب و همکاران ۱۳۹۹، ۳۵). کولبر-راس، روان‌پزشک و مرگ‌پژوه مشهور معاصر، شهرتش به واسطه نظریه‌ای است که درباره مراحل سوگ ارائه داده است. طبق دیدگاه او، فرد سوگوار پنج مرحله را از سر می‌گذراند (VandenBos 2015, 1182). کولبر-راس اولین بار این مطلب را در سال ۱۹۶۹ در کتاب خود، درباره مرگ و مردن^۲، به بحث گذاشته است. او در این کتاب با مطالعه روی دویست بیمار که با توجه به وخامت بیماری‌شان از مرگ قریب‌الوقوع خود مطلع بودند به این پنج مرحله رسیده است.

پنج مرحله‌ای که فرد سوگوار در انواع سوگ با آنها دست‌وپنجه نرم می‌کند عبارت‌اند از (۱) انکار و انزوا، (۲) خشم، (۳) چانه‌زنی، (۴) افسردگی، (۵) پذیرش (کولبر-راس ۱۳۷۶). البته باید توجه داشت که همه افراد لزوماً به طور یکسان این پنج مرحله را طی نخواهند کرد، به عبارت دیگر، افراد مختلف بنا بر باورها، شرایط و در فرهنگ‌های مختلف ممکن است بعضی از این مراحل را تجربه نکنند یا بعضی از این مراحل را با سختی بیشتری پشت سر بگذارند.

همان‌طور که گفته شد، اولین مرحله از این مراحل پنجگانه انکار و انزوا است. «انکار معمولاً یک دفاع موقتی است که دیر یا زود جای خود را به پذیرش نسبی می‌دهد» (کولبر-راس ۱۳۷۶، ۵۵). مثلاً زمانی که شخصی از مرگ یکی از عزیزان خود مطلع می‌شود، ممکن است در ابتدا به سبب شوکه‌کنندگی این خبر ناگوار آن را انکار کند و معتقد باشد که امکان ندارد فرد متوفی مُرده باشد. پس از عبور از مرحله انکار، شخص وارد مرحله دوم یعنی خشم می‌شود. در این مرحله با خشم و آشفتگی از خود و دیگران می‌پرسد: چرا این اتفاق برای او رخ داده است؟ چرا عزیزش او را تنها گذاشته است؟ چرا

خداوند این بلا را نصیب او کرده است؟ پس از مرحله خشم بعضی از افراد وارد مرحله چانه‌زنی با خداوند می‌شوند (کولبر-راس ۱۳۷۶، ۸۶-۸۷). آنها از خدا می‌خواهند که فرصتی فراهم کند تا عزیز از دست رفته خود را دوباره ببیند.

فرد سوگوار زمانی وارد مرحله چهارم می‌شود که نتوانسته باشد مراحل قبلی را برای خود حل کند، به بیان دیگر در وضع روحی و حال و هوای مراحل قبل مانده باشد. بعد از دوره افسردگی یعنی مرحله چهارم، که مدت زمان طولانی یا کوتاهی ممکن است طول بکشد، فرد سوگوار وارد مرحله پذیرش شرایط جدید می‌شود، مرگ عزیز خود را می‌پذیرد و زندگی خود را بر اساس شرایط جدید پی می‌گیرد (ایمانی‌نسب و دیگران، ۳۶).

۲. خشم و مسئله شر

پس از توضیحی مختصر از مراحل سوگ، بر روی مرحله دوم یعنی خشم متمرکز می‌شویم. این مرحله به نوعی مورد توجه فیلسوفان دین نیز قرار گرفته است. فرد سوگوار خود را مستحق رنج تحمیلی نمی‌داند، از این رو خداوند را با خشم و آشفتگی خطاب قرار می‌دهد که چرا با او چنین کرده است؟ چرا عزیزش را از او گرفته است؟ و غیره. در اصطلاح فلسفه دین، چنین شخصی به زعم خود در حال تجربه کردن شر گزاف است و در چنین شرایطی با آشفتگی می‌خواهد بداند خداوند کجاست؟ چرا هیچ توجهی به او نمی‌کند؟

مسئله شر یکی از مسائل مهم فلسفه دین است. طبق تقسیم‌بندی فیلسوفان دین، این مسئله در دو ساحت مورد بحث قرار می‌گیرد: ساحت نظری و ساحت وجودی. در ساحت نظری، صورت‌های منطقی، احتمالاتی و قرینه‌گرایانه مورد بحث قرار می‌گیرند. اما نوع دیگری از مسئله شر وجود دارد که بسیاری از فیلسوفان معتقدند که فراتر از قلمرو منطقی، احتمالاتی و دغدغه‌های معرفتی است، و این نوع از مسئله شر را «وجودی» می‌نامند (پترسون ۱۳۹۷، ۱۴۱).

برای مثال، الوین پلانینگا، پس از این که با «دفاع مبتنی بر اختیار» اثبات می‌کند که وجود خداوند هم به لحاظ منطقی و هم به لحاظ احتمالاتی با وجود شر سازگار است، می‌گوید باز هم ممکن است رنج و بدبختی خدا باور را دچار مشکل کند. از نظر او ممکن است که خدا باور به واسطه رنج‌هایی که خودش یا یکی از نزدیکانش تجربه می‌کند دچار بحرانی دینی شود، علیه خداوند طغیان کند یا از تمام باورهای دینی خود دست بکشد. پلانینگا معتقد است که این مشکل نسبت به آنچه بحث کرده است ابعاد متفاوتی دارد. در نهایت راهکار او برای چنین شخصی نه روشنگری فلسفی، بلکه مراقبت شبانی^۳ است

(Plantinga 1977, 63-4). در سنت مسیحی، مراقبت شبانی ذیل الهیات شبانی قرار می‌گیرد. این مراقبت مخصوص کسانی است که خود را چونان گوسفندانی بی‌شبان، سرگردان و بی‌صاحب می‌بینند. آنها در این وضعیت احساس بی‌پناهی و ناامنی می‌کنند. الهیات شباتی خود را موظف می‌داند که با ارائه «راهکارهایی دینی به تیمار و مراقبت از انسان‌های رنج‌کشیده بپردازد تا از آسیب‌های رابطه آنها با خدا جلوگیری کند» (پورمحمدی ۱۳۹۳، ۶۹).

طبق دیدگاه صاحب‌نظران این حوزه، این راهکارها باید چیزی غیر از استدلال خشک فلسفی باشند، چون مشکل فرد سوگوار در مرحله خشم اساساً عاطفی است. جان فینبرگ^۴ برای توضیح این وضعیت از یک مثال بهره می‌گیرد. فرض کنید دختر بچه‌ای پس از این که زمین می‌خورد، با پایی زخمی به سرعت به سمت آغوش مادر خود می‌دود. در این وضعیت، مادر باید چه عکس‌العملی نشان دهد؟ می‌تواند عدم دقت دختر بچه هنگام بازی را به او یادآور شود یا با استفاده از قوانین فیزیک علت زمین خوردنش را تبیین کند. حال اگر از او بپرسد: «فهمیدی چه می‌گویم؟» دختر در پاسخ خواهد گفت: «بله متوجه شدم، ولی هنوز درد دارم!» فینبرگ معتقد است که «هیچ یک از آن توضیحات در آن زمان درد او را متوقف نمی‌کند. کودک به گفتگو نیاز ندارد. او نیاز دارد مادرش او را در آغوش بگیرد و ببوسد. زمان برای گفتگو و بحث زیاد است؛ اکنون او به تسلا نیاز دارد (فینبرگ ۱۳۹۶، ۵۵۵-۵۵۶).

راهکارها و تکنیک‌های متفاوتی برای مواجهه با مسئله وجودی شر توصیه شده که بیان آنها از حوصله این مقاله خارج است. بسیاری از این توصیه‌ها و رویکردها بر اساس تعالیم کتاب مقدس، گفته‌های حضرت مسیح (ع) و پولس صورت‌بندی شده‌اند. اگرچه پاسخ‌های الهیات شبانی به مسئله شر برخاسته از سنت و فرهنگ مسیحی است، اما این مسئله چیزی از اهمیت استفاده مستقیم، بومی‌سازی آنها یا طراحی راهکارهای جدید در فرهنگ‌ها و ادیان مختلف کم نمی‌کند، چراکه رنج و دوره سوگ را بسیاری از مردم با هر عقیده و مذهبی تجربه می‌کنند. در این مقاله، با در نظر گرفتن ظرفیت‌های الهیات شیعی یکی از راهکارهای مواجهه و کم کردن تبعات مرحله خشم در سوگواری معرفی می‌شود.

۳. یادآوری رنج‌های اولیای الهی

امروزه در روان‌شناسی برای درمان روحی شخصی که همسر خود را از دست داده است روش دیگری به غیر از روش‌های مرسوم، مثل روان‌درمانی یا تجویزهای داوریی توسط

روان‌پزشک، پیشنهاد می‌شود. این روش از تجربیات، دلسوزی‌ها و ترحم‌های اشخاصی که خود چنین تجربه‌ای را از سر گذرانده‌اند استفاده می‌کند (VandenBos 2015, 1156). به نظر می‌رسد دلگرمی‌ها و شنیدن روایت شخصی که خود روزی چنین حالی را تجربه کرده است قابلیت تسلی‌بخشی و درمانی دارد. با در نظر گرفتن این مطلب به ارائه راهکار خود می‌پردازیم.

راهکاری که در این مقاله مطرح می‌شود یادآوری رنج‌ها و مصیبت‌های اولیاء الهی برای مؤمن سوگوار است. زندگی پیامبران و اولیاء الهی پُر از رنج‌ها و مشقت‌ها است. آنان با مصیبت‌های گوناگونی مواجهه بودند و سختی‌های فراوانی را متحمل شدند. به نظر می‌رسد که یادآوری آنها تاحدی قابلیت این را دارد که خاطر رنجور فرد سوگوار را تسلی دهد. زمانی که این مصیبت‌ها برای شخص مصیبت‌زده یادآوری می‌شود، نوعی احساس هم‌ذات‌پنداری بین او و آن ولی خدا به وجود می‌آید. گویی که فرد مصیبت‌زده نه تنها خود را تنها شخص رنجور در این عالم نمی‌بیند، بلکه مصیبت‌های مُقتدا و شبان خود را در مقایسه با آنچه تجربه می‌کند بسیار عظیم‌تر و دردناک‌تر می‌یابد. علاوه بر این، ممکن است ولی خدا را تنها کسی بداند که علاوه بر این که او را درک می‌کند، آغوشش را باز می‌کند و برای گذراندن این دوران سخت به او کمک می‌کند. در نهایت، یادآوری مصیبت‌های اولیاء الهی و پیام‌هایی که به طور مستقیم و غیرمستقیم از آنان دریافت می‌شود این قابلیت را دارد که معنا و مفهوم سوگ و رنج کشیدن در این عالم را کمی برای فرد سوگوار روشن کند و موجب فروکش کردن خشم او نسبت به خداوند شود.

۳-۱. یادآوری مصائب حسین بن علی علیه‌السلام

شیعیان برای حضرت سیدالشهدا (ع) و مصیبت‌های ایشان در روز عاشورا اهمیت ویژه‌ای قائل‌اند. ذکر مصیبت و یادآوری رنج‌های ایشان منحصر به روز عاشورا یا دهه اول محرم نیست، بلکه در آیین‌ها و مناسبت‌های گوناگون از ایشان یاد می‌کنند و رابطه عاطفی ویژه‌ای با او دارند. یکی از سنت‌های مرسوم در مراسم خاکسپاری و مراسم ترحیم شیعیان، روضه‌خوانی و خواندن زیارت عاشورا است. همان‌طور که گفته شد، روضه‌خوانی و خواندن زیارت عاشورا موجب می‌شود که مؤمن سوگوار نوعی هم‌ذات‌پنداری بین خود و امام (ع) احساس کند. روضه‌ها و عبارات‌های زیارت عاشورا به او یادآور می‌شوند که رنج‌های او در مقابل رنج‌ها و مصیبت‌های امام حسین (ع) ناچیز است.^۹

در احادیث شیعه بر یادآوری مصائب ایشان بسیار تأکید شده است. برای مثال، در روایتی، امام رضا (ع) چنین می‌فرماید: «ای پسر شیب! اگر می‌خواهی برای چیزی بگری، برای حسین بن علی بن ابی طالب گریه کن»^۶ (ابن بابویه ۱۳۷۸، ۲۹۹). به نظر می‌رسد این بیان امام (ع) به این معنا نیست که گریه بر چیزی غیر از امام حسین (ع) جایز نیست، چون این نه منطقی است، نه با دیگر متون دینی همخوانی دارد، بلکه امام (ع) با این توصیه گریه فرد محزون و مصیبت‌زده را به نوعی جهت‌دار و معنادار می‌کنند و از آسیب‌های احتمالی در مرحله خشم جلوگیری می‌کنند. فرد سوگوار امام حسین (ع) را مثل مأمونی امن می‌یابد که می‌تواند در آغوش او اشک بریزد و عزاداری کند.

در روایت دیگری، امام صادق (ع) فرموده‌اند:

مقصود خدای سبحان، از اسماعیل در آیه شریفه «وَأذْكَرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ»، اسماعیل بن حزقیل است که قومش او را در بند کرده و پوست سر و صورتش را کردند، و در همان حال فرشته‌ای از سوی خداوند نزد وی آمد، عرض کرد: خداوند مرا نزد تو فرستاده، اینک هر خواسته‌ای داری انجام خواهم داد. اسماعیل فرمود: من در اجرای رسالت خویش و فرامین الهی و تحمل در برابر همه مصیبت‌ها و سختی‌ها الگویی چونان حسین دارم.^۷ (ابن قولویه ۱۳۹۰، ۲۳۶-۲۳۵)

این روایت نمونه‌ای از آن چیزی است که شیعیان در روایت رنج‌ها و مصیبت‌های امام حسین (ع) به یاد می‌آورند. شیعیان از امام حسین (ع) آموخته‌اند که در برابر خواست الهی، مصیبت‌ها و رنج‌ها باید صبر پیشه کرد. آنان با توجه و تمسک به او از ایشان می‌خواهند که از صبر خود به ایشان عطا کرده تا آنان نیز مثل او در برابر ابتلائات صبور باشند.

۴. نتیجه‌گیری

بعضی از افراد مرحله دوم از مراحل پنجگانه سوگواری را تجربه می‌کنند. در این مرحله که فرد بسیار پریشان‌خاطر است، ممکن است با خشم و ناراحتی در باورهای دینی خود شک کند یا آنها را یکسره کنار بگذارد. راه‌حل بسیاری از فیلسوفان و الهی‌دانان نه بحث و فحوص فلسفی بلکه مراقبت‌های معنوی است. از یادآوری مصائب اولیای الهی، به ویژه حسین بن علی (ع)، می‌توان به عنوان یکی از مراقبت‌های معنوی بهره برد.

کتاب‌نامه

- ابن بابویه، محمد بن علی. ۱۳۷۸ ق. *عیون أخبار الرضا علیه السلام*. تصحیح مهدی لاجوردی. نشر جهان.
- ابن قولویه، ابوالقاسم جعفر بن محمد. ۱۳۹۰. *کامل الزیارات*. ترجمه سید علی حسینی. انتشارات اندیشه مولانا.
- ایمانی‌نسب، علی، علی قاسمیان‌نژاد، و عارفه صالحی. ۱۳۹۹. *تجربه نزدیک به مرگ و تسلی داغدیدگان و نگرشی نو به پیشامدهای ناگوار*، به همراه گزارش‌های تجارب نزدیک به مرگ و مصاحبه با تجربه‌کنندگان. انتشارات راز نهران.
- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان. ۱۴۱۵ ق. *البرهان فی تفسیر القرآن*. ۵. ج. قم: مؤسسه البعثه، مرکز الطباعة و النشر.
- پترسون، مایکل. ۱۳۹۷. *خدا و شر: درسنامه مسئله شر*. ترجمه حسن قنبری. قم: کتاب طه.
- پورمحمدی، نعیمه. ۱۳۹۳. «الاهیات شبانی و پاسخ به مسئله شر». پژوهش‌های ادیانی ۱(۳): ۸.
- فینبرگ، جان. ۱۳۹۷. «مسئله دینی شر»، در *درباره شر: ترجمه مقالات برگزیده در فلسفه و الاهیات شر*، ج. ۲. به سرپرستی نعیمه پورمحمدی. قم: کتاب طه.
- کولبر-راس، الیزابت. ۱۳۷۶. *آشتی با مرگ*. ترجمه مهدی قراچه‌داغی. انتشارات اوحدی.
- Plantinga, Alvin. 1977. *God, Freedom, and Evil*. Wm. B. Eerdmans Publishing.
- VandenBos, Gary R. 2007. *APA Dictionary of Psychology*. American Psychological Association.

یادداشت‌ها

1. Elisabeth Kübler-Ross
۲. *On Death and Dying*، این کتاب به زبان فارسی دو ترجمه دارد. عنوان ترجمه‌ای که در این پژوهش از آن استفاده شده «آشتی با مرگ» است.
3. pastoral care
4. John Feinberg
۵. در زیارت عاشورا فرازی وجود دارد که تأکید می‌کند مصیبت امام حسین عظیم‌ترین مصیبت تمام آسمان‌ها و زمین است: «مُصِيبَةٌ مَا أَعْظَمَهَا وَأَعْظَمَ رَزِيئَتَهَا فِي الْإِسْلَامِ وَ فِي جَمِيعِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ».
۶. «يَا ابْنَ شَيْبِ بْنِ كُنْتُ بَاكِيًا لِسَيِّءِ قَابِكِ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ.»
۷. «إِنَّ إِسْمَاعِيلَ الَّذِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ - وَ اذْكَرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ أَخَذَ فَسْلِحَتْ فَرَوْهُ وَجْهَهُ وَ رَأْسَهُ فَأَتَاهُ مَلِكٌ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي إِلَيْكَ فَمُرْنِي بِمَا شِئْتَ فَقَالَ لِي أَسْوَدٌ بِالْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (ع)». در این روایت ذکر نشده است که منظور از اسماعیل جناب اسماعیل بن حزقیل است. برای اطلاع از این مطلب، نک. بحرانی ۱۴۱۵، ۳: ۷۱۹.